

سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ ٧٧

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا

﴿١﴾

قسم بر فرستادگانِ خداوندگار که در پشت هم آمدند روزگار
فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا

﴿٢﴾

به خیل ملائک قسم کرده یاد که انجام حکم می‌کنند همچو باد
وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا

﴿٣﴾

و سوگند بر آنها که نشر می‌دهند ز آیاتِ یزدان چو اندرز و پند
فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا

﴿٤﴾

بر آنها بخوردست سوگند خدا که حق را ز باطل نمایند جدا
فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا

﴿۵﴾

قسم باد! به مخلوقِ پاک و حمید که القا نمایند کلامِ مجید
عُذْرًا أَوْ نُذْرًا

﴿۶﴾

بگردیده برهانی بر متقی ولیکن بود بیم، بهر شقی
إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ

﴿۷﴾

هر آنچه که وعده بگشته کنون تحقق پذیرست بی‌چند و چون
فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ

﴿۸﴾

شوند محو و زایل تمامِ نجوم نباشند زمین را دگر طاق و بوم
وَإِذَا السَّمَاءُ فُرجَتْ

﴿۹﴾

شکافد ز هم نیز این آسمان که باشد ز آن وعده‌ی حق، نشان
وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ

﴿۱۰﴾

بگردند غبار جمله کوه و جبال شوند محو و کلاً بیابند زوال
وَإِذَا الرُّسُلُ اقْتَتَتْ

زمانی که بر حکم ایزد، رُسُل گواهی دهند بر همه جزء و کُل
لَا يَ يَوْمٍ أَجَلَتْ

و این واقعاتی که شرحش گذشت برای چه روزی معین بگشت؟
لَيَوْمٍ الْفَصْلِ

همان روز باشد که گردد جدا همه حق و باطل حضورِ خدا
وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ

کجا درک داری تو زین روزِ شاق؟ که باطل ز حق جمله گردد فراق
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

بسی وای! به احوالِ آن منکران که کردند تکذیبِ حق در جهان
أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ

نکردیم مگر ما هلاک در سبق؟ کسانی که منکر بگشتند به حق
ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ

همین سرنوشت است بر دیگران هلاکت ببخشیم بر کافران
كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

چنین است سزای همه مجرمان عقوبت بود سخت فرجامشان
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

بسی وای! به احوال آن منکران که کردند تکذیب حق در جهان
أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

مگر آفرینش نشد گونه‌گون؟ که از نطفه‌ای پست آید برون
فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ

شود نطفه در جایی امن، استوار بگردد ز اینجا بشر پایدار
إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ

زمانی معین بگیرد قرار پس آنکه بیاید به این روزگار
فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ

﴿۲۳﴾

مقدّر نمایم عمر، همچنان چو ماییم والاترین قادران
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

﴿۲۴﴾

بسی وای! به احوال آن منکران که کردند تکذیب حق در جهان
أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا

﴿۲۵﴾

نکردیم زمین را همی باثبات؟ که گیرد قرار اندر این ممکنات؟
أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا

﴿۲۶﴾

کند زندگی روی آن زندگان بخوابند در قعر آن مردگان
وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا

﴿۲۷﴾

قرار داده کوه بلند بر زمین و آب زلال بهرتان همچنین
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

﴿۲۸﴾

بسی وای! به احوال آن منکران که کردند تکذیب حق در جهان
إِنْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

بگردید به سوی جهنّم روان هم آنجا که کردید تکذیبِ آن
 اِنْطَلِقُوا اِلٰی ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ

روید زیر سایه زِ دودی گران که آید زِ سه سوی، دودِ روان
 لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ

نیاید سایه ولی هیچ‌گاه نه از شعله‌ی آتش اندر پناه
 اِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

شررهای آتش بسی سهمگین بلندای قصر است و هم آتشین
 كَاَنَّهُ جَمَالَتْ صَفْرٌ

شررها که آیند بس بی‌درنگ بوند همچنان اُشترِ زرد رنگ
 وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

بسی وای! به احوالِ آن منکران که کردند تکذیبِ حق در جهان
 هٰذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ

در آن روز کُفّار به حال محن نباشند قادر که گویند سخن
وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ

نه هیچ فرصتی باشد از معذرت تمنّایی از بخشش و مغفرت
وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

بسی وای! به احوال آن منکران که کردند تکذیب حق در جهان
هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ط جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ

چنین روز باشد همان یومِ دین شما با همه خلق در ماسبق
جدا می‌شود باطل و حق، یقین بگردیده محشور در نزد حق
فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ

اگر مانده در نزدتان مکر و کید رها خود نمایید ز زنجیر و قید
وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

بسی وای! به احوالِ آن منکران که کردند تکذیبِ حق در جهان
إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ

﴿۴۱﴾

بوند در امان اهلِ تقویٰ یقین به سایه به باغِ بهشتِ برین
به اطرافشان نهرهای روان چنین است احوالِ آن مقبلان
وَفَوَاحِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ

﴿۴۲﴾

فراهم بود میوه از بهرشان هر آنچه بخواهند، رسد دستشان
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿۴۳﴾

خطابی رسد نیز بر مقبلان خورید و بنوشید ز انعامتان
هر آنچه خورید، هست گوارایتان ز پاداشِ نیکو به اعمالتان
إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

﴿۴۴﴾

به تحقیق، پاداشِ ما هست چنین ز اطعام کامل بر آن محسنین
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

﴿۴۵﴾

بسی وای! به احوالِ آن منکران که کردند تکذیبِ حق در جهان
كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ

خوريد و تَمَتَّعَ برید بس قلیل
 در این عمر کوتاه، اندر جهان
 شما منکرانی که باشید ذلیل
 ز انکار بگشتید از مجرمان
 وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

بسی وای! به احوالِ آن منکران
 که کردند تکذیبِ حق در جهان
 وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ

هر آنگاه که گفتند بر جاهلان
 نکردند رکوع و نخواندند نماز
 بیارید رکوع بر خدای جهان
 ز سوی خدا، رو بگردانده باز
 وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

بسی وای به احوالِ آن منکران
 که کردند تکذیبِ حق در جهان
 فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

ز بعد از حدیث و کلامِ اله
 کدامین کلام و حدیث بهر دین؟
 که باور نکردید شما هیچ‌گاه
 بیارید ایمان به آن با یقین